



بررسی تاثیر حس تعلق به مکان در معماری و سرزندگی شهر

نگار قاسمی اوّل^{1*}، حسن سجاد زاده² .

1- کارشناسی ارشد معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران.

2- استادیار معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران.

خلاصه

شهر مجموعه ای فرهنگی - کالبدی است که بر اساس نیازها، فعالیت ها و رفتارهای ساکنان شکل گرفته است. انسان ها بسته به نیازهای فردی خود فعالیت کرده و الگوهای رفتاری خاص خود را عرضه می کنند. همان طور فضاها از یک سو آینه ی تمام نمای فعالیت ها و الگوهای رفتاری یک جامعه می باشند، از سوی دیگر فضاها بر فعالیت و رفتارهای ساکنان تأثیر شدیدی می گذارند (پاکزاد، 142۰: 1385). موارد متعددی هویت یک شهر را شکل می دهد: فضای مصنوع شهری ساختمان ها و راه ها، سبک زندگی ساکنان، محیط درونی و بیرونی زندگی شان، تاریخ شهر و ارتباط همه ی این عناصر با یکدیگر. نااهمخوانی این عوامل با یکدیگر و شکل نگرفتن فرهنگ مشترک و یا خرده فرهنگ های منسجم و عدم ارتباط با محیط شهری منجر به بحران هویت می گردد. پیامد بحران هویت احساس بی ریشه گی در فرد است در حالیکه اگر شخص نسبت به محیط زندگی خود حس تعلق داشته باشد و خود را جزئی از آن محیط بداند، نسبت به آن محیط حس مسئولیت می نماید و برای حفظ آن تلاش می کند. از طرفی هویت شهری با مفهوم حس مکان، رابطه ی تنگاتنگی دارد، به طوری که هر دو را می توان یکی پنداشت. انسان نیاز دارد هرچه بیشتر فضای زندگی خود را مخاطب قرار دهد، آن را از خود بداند و مهر و نشان خویش را بر آن بزند. به نظر می رسد توجه به هویت کالبدی و فضایی در طراحی مجتمع های اقامتی و تفریحی موجب حس مکان در بین فضاها می شود. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات بشکل میدانی و اسنادی است. نتیجه ی تحقیق نشانگر اهمیت حس تعلق مکان در معماری و شهرسازی است که یکی از اصلی ترین معیارها برای ارزیابی کیفیت محیط محسوب می شود.

* Corresponding author: Negar Ghasemi, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran
Email: negargh40@gmail.com



کلمات کلیدی: حس تعلق مکان، هویت، معماری، عناصر کالبدی

1. مقدمه

هر جامعه ای اهداف خاص خود را دارد که فرهنگ آن جامعه بر اساس آن ها شکل گرفته است. فرهنگ در جوامع وظیفه ی نمایش این اهداف را که متاثر از این ایده های ذهنی اند، بوسیله ی رفتارها و ایجاد اشکال عینی برعهده دارد. از عوامل موثر در بهبود وضع منطقه، حس تعلق به مکان است. مکان عنصر اصلی هویت ساکنان آن است و حس مکان نیزعاملی است که موجب تبدیل به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می گردد. حس تعلق یکی ازعلائم و عوامل مهم درارزیابی انسان - محیط و ایجاد محیط های انسانی با کیفیت و مورد توجه طراحان می باشد و حس تعلق به مکان این امکان را فراهم می کند که انسان ها با احساس متمایز بودن ثبات داشتن و تعلق به جمع داشتن، امنیت و آرامش لازم را برای زندگی کسب کنند. حس تعلق به مکان را می توان رابطه ای عاطفی و پر معنا بین شخص و مکان توصیف کرد، پیوند یا احساسی که مردم آن مکان را به عنوان قرارگاهی برای بازگشت بدان ارزشمند بدانند. در حقیقت احساس تعلق به مکان شاخصی است که از طریق آن می توان میزان متمایز بودن آن مکان را برای مردم، نسبت به دیگر مکان ها سنجید. مسلم است که این تمایزات حاصل جمعی از عوامل مادی و معنوی شامل محیط محیط کالبدی و معماری، محیط اجتماعی و نوع فعالیت ها، سطح فرهنگ و تاریخ، ابعاد شخصی و روانشناسانه (ادراک، شناخت و احساس) می باشد (سیاوش پور، 1393). رلف اعتقاد دارد که یک مکان موقعی فراتر از یک فضا است که واجد سه خصوصیت محدوده کالبدی، فعالیت و معنا باشد و در این میان، معنا را جزء اصلی و لاینفک و صعب الوصول این گروه می داند (Relph، 1976). در واقع در بنا است که با مطالعه و بهره گیری از این تجربیات می توان به چهارچوبی مناسب در جهت طراحی مجتمع اقامتی تفریحی با رویکرد حس تعلق مکان طراحی نمود که به بالا بردن سطح فرهنگی و کیفیت منطقه کمک کرده و این مجتمع به عنوان نمادی در منطقه قرار گیرد که بتواند به عنوان عنصری هویت بخش در شهر عملکرده و موجب سرزندگی و ارتقاء شهر در بخش های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شود.

هویت را می توان تجلی فرهنگ در محیط دانست زیرا مکان ها از انسان معنا می گیرند و انسان نیز مجموعه ای از باورها و اندیشه ها است که فرهنگ او را شکل می دهد و نمود و تجلی از فرهنگ انسان را در مکان و محیط می توان مشاهده نموده همان هویت اوست (صیادی شهرکی، 1393). دل بستگی به مکان، نقطه تلاقی عناصر کالبدی، فعالیت ها و مفاهیم ذهنی نسبت به مکان است. این حس دل بستگی موجب تبدیل فضا به مکانی با ویژگی های حسی و رفتاری خاص برای افراد می شود. این حس دل بستگی به مکان باعث جذب توریست ها و افراد و در نتیجه ارتقا سطح منطقه می شود (سجادزاده، 1392). از آنجا که در معماری و شهرسازی امروز توجه کمی به هویت و حس تعلق به مکان می شود و همین طور با توجه به موفقیتی که بناها و بخش های قدیمی شهر در